

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Review and Analysis of International Conventions and the Helmand Water Rights

Hadi Mirshkar¹, Mojtaba Babaee^{*2}, Ramezan Dehghan³

1. PhD student, Department of Law, Da.C., Islamic Azad University, Damghan, Iran

2. Department of Law, Payame Noor University, Tehran, Iran

3. Department of Law, Da.C., Islamic Azad University, Damghan, Iran

* Corresponding Author's Email: mojtaba.babaee@pnu.ac.ir

ABSTRACT

The dispute over the water rights of the Helmand River, as a long-standing challenge between Iran and Afghanistan, has gained more complex dimensions in light of recent climatic, political, and environmental developments. This article, focusing on international conventions—including the United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC), the 1997 New York Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, and the Ramsar Convention on Wetlands—examines legal strategies to defend Iran's water rights over the Helmand River. The findings indicate that Iran can, by invoking principles such as “common but differentiated responsibilities” (UNFCCC), “equitable and reasonable utilization” and “prevention of significant harm” (New York Convention), and the protection of the Hamoun Wetland ecosystem (Ramsar Convention), strengthen its legal position in international forums. The main challenges include Afghanistan's non-membership in the New York Convention, the country's domestic political developments, and the lack of strong enforcement mechanisms in international instruments. Nevertheless, solutions such as combining legal references, strengthening environmental diplomacy, referring the case to international arbitration bodies, and redefining the 1972 Agreement by integrating modern legal principles can contribute to resolving the dispute. This research emphasizes that defending the Helmand water rights not only requires the intelligent utilization of existing legal frameworks but also demands regional and international cooperation to create a sustainable model for managing transboundary water resources. The results of this study can serve as a model for resolving similar disputes in other international river basins worldwide.

Keywords: *Helmand water rights, 1997 New York Convention, Climate Change Convention, Ramsar Convention, International Environmental Law, Transboundary Water Resources Management.*

How to cite: Mirshkar, H., Babaee, M., & Dehghan, R. (2025). Review and Analysis of International Conventions and the Helmand Water Rights. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 3(2), 1-16.



تاریخ ارسال: ۳ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۱ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۹ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ مهر ۱۴۰۴

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

بررسی و تحلیل کنوانسیون‌های بین‌المللی و حق آب هیرمند

هادی میرشکار^۱، مجتبی بابایی^۲، رمضان دهقان^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

۲. گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳. گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: mojtaba.babaei@pnu.ac.ir

چکیده

مناقشه بر سر حق آب رود هیرمند، به عنوان یک چالش دیرینه میان ایران و افغانستان، در پرتو تحولات اقلیمی، سیاسی و زیست‌محیطی اخیر، ابعاد پیچیده‌تری یافته است. این مقاله با تمرکز بر کنوانسیون‌های بین‌المللی، شامل کنوانسیون تغییرات اقلیمی سازمان ملل (UNFCCC)، کنوانسیون نیویورک ۱۹۹۷ (استفاده از آبراه‌های فرامرزی) و کنوانسیون رامسر (حفاظت از تالاب‌ها)، به بررسی راهکارهای حقوقی دفاع از حق آب ایران بر رود هیرمند می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ایران می‌تواند با استناد به اصولی نظیر مسئولیت مشترک ولی متفاوت (UNFCCC)، استفاده منصفانه و معقول و جلوگیری از آسیب قابل توجه (کنوانسیون نیویورک)، و حفاظت از اکوسیستم تالاب هامون (رامسر)، موضع حقوقی خود را در مجامع بین‌المللی تقویت کند. چالش‌های اصلی شامل عدم عضویت افغانستان در کنوانسیون نیویورک، تحولات سیاسی داخلی این کشور و نبود سازوکارهای اجرایی قوی در اسناد بین‌المللی است. با این حال، راهکارهایی مانند ترکیب استنادات حقوقی، تقویت دیپلماسی محیط‌زیستی، ارجاع به نهادهای داور بین‌المللی و بازتعریف توافقنامه ۱۹۷۲ با ادغام اصول نوین حقوقی، می‌توانند به حل این مناقشه کمک کنند. این پژوهش بر این نکته تأکید دارد که دفاع از حق آب هیرمند نه تنها نیازمند بهره‌گیری هوشمندانه از چارچوب‌های حقوقی موجود است، بلکه مستلزم همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی برای ایجاد مدلی پایدار در مدیریت منابع آبی فرامرزی است. نتایج این مطالعه می‌تواند به عنوان الگویی برای حل اختلافات مشابه در دیگر حوضه‌های آبی جهان مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژگان: حق آب هیرمند، کنوانسیون نیویورک ۱۹۹۷، کنوانسیون تغییرات اقلیمی، کنوانسیون رامسر، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، مدیریت منابع آب فرامرزی.

این کنوانسیون از نیاز فوری به کاهش غلظت گازهای گلخانه‌ای برای جلوگیری از تأثیرات مخرب تغییرات اقلیمی سخن می‌گوید. این سند تأکید دارد که تغییرات اقلیمی یک نگرانی مشترک بشری است و باید با رعایت اصول عدالت و مسئولیت مشترک ولی متفاوت، حل شود (Ebrahim Gol, 2011).

بخش‌های اصلی کنوانسیون:

۱- اهداف (ماده ۲)

هدف اصلی کنوانسیون عبارت است از تثبیت غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو در سطحی که از تداخل خطرناک انسان با سیستم اقلیمی جلوگیری کند. این تثبیت باید در چارچوب توسعه پایدار صورت گیرد.

۲- اصول (ماده ۳)

اصول این کنوانسیون به شرح زیر می‌باشد. این اصول، راهنمای تعهدات و همکاری‌های میان کشورها است:

- عدالت بین نسلی: حفاظت از اقلیم برای نسل‌های آینده.
- مسئولیت مشترک ولی متفاوت: کشورهای توسعه‌یافته باید به دلیل سهم تاریخی خود در انتشار گازهای گلخانه‌ای، نقش بیشتری در کاهش آن داشته باشند.
- حق توسعه پایدار: کشورها باید حفاظت از اقلیم را با نیازهای توسعه پایدار هماهنگ کنند.

۳- تعهدات کشورها (ماده ۴)

تمام اعضای کنوانسیون موظف‌اند:

- انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را رصد و گزارش کنند،
- سیاست‌ها و برنامه‌هایی برای کاهش انتشار این گازها تدوین و اجرا کنند،
- از فناوری‌ها و شیوه‌های سازگار با محیط زیست حمایت کنند،

۴- سازوکارهای همکاری (ماده ۷ و ۸)

حفظ محیط زیست، به ویژه رودهای بین‌المللی، نقشی حیاتی در بقای اکوسیستم‌های جهانی و تأمین نیازهای انسانی دارد. این رودها نه تنها منبع آب آشامیدنی، کشاورزی و صنعت برای میلیون‌ها نفر هستند، بلکه شریان‌های حیاتی برای تنوع زیستی، تبادل فرهنگی و همکاری‌های فرامرزی محسوب می‌شوند (Boyle & Redgwell, 2021). آلودگی، برداشت بی‌رویه یا تغییر مسیر این رودها می‌تواند منجر به تخریب زیست بوم‌ها، کاهش منابع آب شیرین، تشدید تنش‌های سیاسی بین کشورها و حتی بحران‌های انسانی مانند مهاجرت‌های اجباری شود. از سوی دیگر، مدیریت پایدار و مشترک رودهای بین‌المللی نه تنها از مناقشات جلوگیری می‌کند، بلکه الگویی برای توسعه پایدار، تقویت دیپلماسی محیط زیستی و حفظ صلح جهانی است. حفاظت از این منابع مشترک، مسئولیتی اخلاقی و ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای نسل حاضر و آینده است (Peel, 2020).

بنابراین کنوانسیون‌های بین‌المللی در زمینه محیط زیست از اهمیت بالایی برخوردارند، زیرا به عنوان چارچوب‌های قانونی و سیاسی جهانی، همکاری و هماهنگی میان کشورها را برای مقابله با چالش‌های زیست‌محیطی تسهیل می‌کنند. این معاهدات به کشورها کمک می‌کنند تا تعهدات و مسئولیت‌های خود را در زمینه حفاظت از محیط زیست شفاف کرده و ابزارهای لازم برای دستیابی به اهداف زیست‌محیطی را فراهم آورند (Poorhashemi, 2024). مناقشه هیرمند و حق آبه ایران از این رود موضوعی است که به طور مستقیم با کنوانسیون‌های بین‌المللی محیط زیست ارتباط دارد. بنابراین در این فصل این مساله مورد بررسی قرار می‌گیرد و راه کارهای لازم ارائه می‌گردد.

کنوانسیون‌های مرتبط با محیط زیست:

کنوانسیون تغییرات اقلیمی سازمان ملل^۱ (۱۹۹۲)

¹ United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC)

- کنفرانس اعضا: نهاد اصلی تصمیم‌گیری که سالانه تشکیل جلسه می‌دهد.
- دبیرخانه: مسئولیت هماهنگی اجرایی و نظارت بر تعهدات کشورها.
- ۵- تأمین مالی (ماده ۱۱): کشورهای توسعه‌یافته متعهدند به کشورهای در حال توسعه کمک مالی و فنی ارائه دهند تا بتوانند تعهدات خود را در چارچوب کنوانسیون انجام دهند (Hassan & Tawfeeq, 2023).

کنوانسیون نیویورک (۱۹۹۷)

کنوانسیون نیویورک، که به‌طور رسمی با نام «کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق استفاده‌های غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی» شناخته می‌شود، در سال ۱۹۹۷ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد. این کنوانسیون چارچوبی برای همکاری و مدیریت پایدار آبراه‌های بین‌المللی فراهم می‌کند و بر اصول استفاده منصفانه و معقول و همچنین جلوگیری از آسیب‌های قابل توجه تأکید دارد. در این کنوانسیون بر اهمیت آبراه‌های بین‌المللی به‌عنوان منابع حیاتی برای حیات و توسعه، ضرورت همکاری بین کشورها برای استفاده منصفانه و پایدار از منابع آبی مشترک و ارجاع به اصول منشور سازمان ملل متحد و سایر معاهدات بین‌المللی شده است.

- اصول و اهداف اصلی

۱. استفاده منصفانه و معقول (ماده ۵):

- کشورهای حوضه آبریز باید منابع آبی مشترک را به‌گونه‌ای استفاده کنند که منافع منصفانه‌ای برای همه کشورها ایجاد شود.

- در ارزیابی منصفانه بودن استفاده، عواملی مانند جمعیت، شرایط اجتماعی و اقتصادی، و نیازهای حیاتی کشورها در نظر گرفته می‌شود.

۲. جلوگیری از آسیب قابل توجه (ماده ۷):

- کشورهای بالادست موظف هستند از اقداماتی که باعث آسیب قابل توجه به کشورهای پایین‌دست می‌شود، خودداری کنند.
- در صورت وقوع آسیب، کشورها باید همکاری کنند تا آثار آن کاهش یابد.

۳. تعهد به همکاری (ماده ۸):

- کشورها باید اطلاعات را به اشتراک بگذارند و در مدیریت و توسعه منابع آبی مشترک همکاری کنند.

- مکانیسم‌هایی برای تبادل اطلاعات و مذاکره در نظر گرفته شده است.

۴. اطلاع‌رسانی درباره فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده (ماده ۱۲-۱۹):

- کشورهای بالادست باید اطلاعات کافی درباره پروژه‌های جدید (مانند سدسازی) به کشورهای دیگر ارائه دهند (Karamzadeh

(& Moradian, 2017).

- در صورت اعتراض کشورهای پایین‌دست، پروژه باید متوقف یا تعدیل شود.

- سازوکار حل اختلافات (ماده ۳۳)
- در صورت بروز اختلاف، کشورها باید از طریق مذاکره، میانجی‌گری یا داوری بین‌المللی مسئله را حل کنند.
- در صورت لزوم، اختلاف می‌تواند به دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) ارجاع شود.
- حقوق زیست‌محیطی
- تأکید بر حفاظت و احیای اکوسیستم‌های وابسته به منابع آبی (ماده ۲۰):
- تعهد به جلوگیری از آلودگی آبراه‌ها (ماده ۲۱):

عبور نمایند و بدین لحاظ باید به عنوان یک منبع بین المللی تلقی گردند.

باطمینان به اینکه حفظ و حراست تالاب ها، گیاهان و حیوانات آن ممکن است با سیاست های ملی واقع بینانه و با اقدامات بین المللی هم آهنگ نامین گردد نسبت به مقررات زیرتوافق نمودند: ماده ۱

(۱) از لحاظ کنوانسیون حاضر، تالابها شامل مردابها، باتلاقها و لجن زارها یا آبهای طبیعی یا مصنوعی اعم از دایمی یا موقت است که آبهای شیرین - تلخ یا شور در آن بصورت راکد یا جاری یافت شود به همراه آب دریاهایی که عمق آنها در پایین ترین نقطه جزر از شش متر تجاوز ننماید.

(۲) از لحاظ کنوانسیون حاضر پرندگان آبی پرندگانی هستند که از نظر اکولوژی با تالابها پیوستگی دارند.

ماده ۲

(۱) هر یک از طرف های متعهد مکلف است تالاب های حائز اهمیت سرزمین خود را که باید در فهرست تالاب های مهم بین المللی درج شود تعیین نماید. لیست مزبور در دفتری که بموجب ماده ۸ تاسیس میشود نگهداری خواهد شد. حدود هر یک از تالابها باید بطور دقیق مشخص گردیده و در نقشه ای ترسیم شود. حدود مزبور ممکن است شامل مناطق ساحلی و یا کرانه های مجاور تالابها و جزیره ها و یا قسمتهایی از آب دریا که در تالابها محاط بوده و عمق آنها در پایین ترین نقطه جزر بالاتر از شش متر است باشد بالاخص هنگامیکه این تالابها و جزیره ها و یا آبهای دریا از نظر محل زیست پرندگان آبی حائز اهمیت است.

(۲) تالابهایی که در فهرست درج خواهد شد باید براساس اهمیت بین المللی آنها از نظر اکولوژی، گیاه شناسی، حیوان شناسی، دریاچه شناسی و آب شناسی انتخاب گردد. تالابهایی که برای زیست پرندگان آبی در تمام فصول حائز اهمیت است در آغاز فهرست درج خواهد شد.

این کنوانسیون در تاریخ ۲۱ مه ۱۹۹۷ تصویب شد و در سال ۲۰۱۴ به حد نصاب لازم برای اجرا رسید. برخی از کشورها، از جمله ترکیه و چین، آن را امضا نکرده اند، ولی به عنوان یک چارچوب بین المللی مورد استناد قرار می گیرد. در مناقشه های آبی مانند هیرمند، می توان به اصول این کنوانسیون مانند استفاده منصفانه، جلوگیری از آسیب، و اطلاع رسانی پروژه های بالادستی، استناد کرد (Ziaee Bigdeli, 2007).

چالش های ایران در استناد به کنوانسیون نیویورک:

۱. عدم عضویت افغانستان در کنوانسیون: افغانستان هنوز عضو کنوانسیون نیویورک نیست و بنابراین به صورت مستقیم به تعهدات این کنوانسیون پایبند نیست. با این حال، بسیاری از اصول این کنوانسیون (مانند استفاده منصفانه و جلوگیری از آسیب) به عنوان عرف بین المللی پذیرفته شده و می توان از آنها برای استدلال استفاده کرد.

۲. وجود معاهده دوجانبه هیرمند (۱۳۵۱): ایران و افغانستان دارای یک معاهده دوجانبه درباره حق آبه هیرمند هستند. در صورتی که این معاهده نقض شده باشد، ایران باید ترکیبی از این معاهده و اصول کنوانسیون نیویورک را برای استدلال حقوقی خود به کار گیرد.

کنوانسیون رامسر (۱۹۷۱)

با توجه به فعل و انفعالات اساسی اکولوژیک، تالابها به عنوان تنظیم کننده رژیم آبها و به عنوان محل رشد گیاهان بومی و زیستگاه حیوانات مخصوص به این مناطق به خصوص پرندگان آبی شناخته می شود و با توجه به اینکه تالابها از نظر اقتصادی، فرهنگی، علمی و تفریحی منبع پرارزشی است که انهدام آنها جبران پذیر نخواهد بود. برای جلوگیری از تجاوز تدریجی به این تالابها و انهدام آنها در زمان حاضر و در آینده با علم به اینکه پرندگان آبی طی مهاجرتها فصلی ممکن است از مرز کشورها

۳) درج یک تالاب در این فهرست به حقوق محفوظه حاکمیت طرف متعهدی که تالاب در سرزمین او واقع شده لطمه‌ای وارد نخواهد ساخت.

۴) هر یک از طرف‌های متعهد به هنگام امضا و تودیع اسناد تصویب کنوانسیون یا الحاق به آن طبق مقررات ماده ۹ حداقل یک تالاب را که باید نام آن در فهرست درج شود تعیین خواهد کرد.

۵) طرف‌های متعهد حق خواهند داشت تالاب‌های دیگری را که در سرزمینشان واقع است به فهرست اضافه نموده یا وسعت تالاب‌های مندرج در فهرست را افزایش دهند و یا به علل فوری که متضمن منافع ملی است تالاب‌هایی را از فهرست حذف نمایند و یا وسعت تالاب‌های مندرج در فهرست را محدود نمایند. طرفین در اسرع وقت ممکن این تغییرات را به اطلاع سازمان یا موسسه ایی که مسئولیت وظایف دفتر دائمی موضوع ماده ۹ به او محول است خواهند رسانید (Ramsar Convention Secretariat, 2024).

۶) هر یک از طرف‌های متعهد، مسئولیت‌های خود را در زمینه بین المللی جهت حفظ، حراست، مراقبت و بهره برداری صحیح از پرندگان آبی مهاجر چه از نظر تعیین تالاب‌های واقع در سرزمین خود که باید در فهرست درج شود و چه از نظر اعمال حق خود نسبت به تغییر دادن مندرجات فهرست مورد توجه قرار خواهد داد.

ماده ۳

۱) طرف‌های متعهد موظف هستند نقشه‌های اصلاحی تالاب‌ها را به نحوی تنظیم نموده و به اجرا در آورند که حفظ و حراست تالاب‌های مندرج در فهرست و حتی المقدور بهره برداری صحیح از آن‌ها را در سرزمین خود تسهیل نماید.

۲) هر یک از طرف‌های متعهد تدابیر لازم را جهت کسب اطلاع در اسرع وقت از تغییرات شرایط اکولوژی که بر اثر تحولات تکنولوژیک آلودگی یا سایر تصرفات انسانی در تالاب‌های واقع

در سرزمین خود، مندرج در فهرست پدید آمده یا در شرف پدید آمدن می‌باشد و یا وقوع آن امکان پذیر است اتخاذ خواهند نمود. اطلاعات مربوط به این نوع تغییرات بلافاصله در اختیار سازمان یا ارگانی که مسئول امور دفتر دائمی مذکور در ماده ۸ می‌باشد قرارخواهد گرفت.

ماده ۴

۱) هر یک از طرف‌های متعهد تسهیلات لازم جهت حفاظت تالاب‌ها و پرندگان آبی را با ایجاد قرق‌های طبیعی در منطقه تالاب‌ها اعم از اینکه در فهرست درج شده و یا نشده باشند فراهم و به نحو مطلوب از آن‌ها نگهداری خواهد کرد.

۲) هرگاه یکی از طرف‌های متعهد در مواردیکه منافع ملی او فوراً ایجاب می‌کند تالابی را که در فهرست درج شده است حذف نماید و یا وسعت آن را کاهش دهد مکلف است تا حد امکان کمبود حاصله در این تالاب‌ها را جبران و بالاحص قرق‌های طبیعی دیگری را به میزانی معادل با محل زیست قبلی برای پرندگان آبی و حمایت از آن‌ها در همان منطقه یا در محل دیگر ایجاد نماید.

۳) طرف‌های متعهد تحقیق و مبادله اطلاعات و نشریات مربوط به تالاب‌ها، گیاهان و حیوانات بومی آن را تشویق خواهند نمود.

۴) طرف‌های متعهد با اعمال مدیریت صحیح کوشش خواهند نمود تعداد پرندگان آبی را در تالاب‌های مربوطه افزایش دهند (Mohammadi & Najafi, 2017).

۵) طرف‌های متعهد تدابیر لازم جهت تربیت پرسنل ذی صلاحیت به منظور تحقیق در امور تالاب‌ها و اداره و حفاظت آن‌ها اتخاذ خواهند نمود.

ماده ۵

طرف‌های متعهد درباره اجرای وظایف ناشی از کنوانسیون حاضر بالاحص در مورد تالابی که در سرزمین‌های بیش از یک طرف متعهد واقع است و یا در موردی که یک حوضچه آب بین چند طرف متعهد تقسیم شده است با یکدیگر همکاری خواهند نمود.

(2024).

۲) نماینده هر یک از طرف‌های متعهد که در کنفرانس‌ها شرکت می‌کند حق یک رای خواهد داشت. توصیه‌ها با اکثریت آرا رای دهندگان تصویب خواهد شد مشروط بر اینکه حداقل نصف نمایندگان طرف‌های متعهد در رای‌گیری شرکت نمایند.

ماده ۸

۱) اتحادیه بین‌المللی برای حفظ و حراست طبیعت و منابع طبیعی امور دفتر دائمی را به موجب مفاد این کنوانسیون و تا زمانیکه یک سازمان دیگر یا یک دولت با اکثریت دو سوم آرا کلیه طرف‌های متعهد برای تصدیق آن تعیین نشده است به عهده خواهد گرفت.

۲) اهم وظایف دفتر دائمی عبارتست از:

الف) اعطا کمک برای دعوت و تشکیل کنفرانس موضوع ماده ۶.
ب) تهیه فهرست تالاب‌های مهم بین‌المللی و کسب اطلاعات از طرف‌های متعهد طبق بند ۵ ماده ۲ در مورد افزایش، توسعه، حذف و یا محدود کردن تالاب‌های مندرج در فهرست.

ج) کسب اطلاعات پیش‌بینی شده طبق بند ۲ ماده ۳ از طرف‌های متعهد در مورد هر نوع تغییرات شرایط اکولوژی تالاب‌های مندرج در فهرست.

د) ارائه اطلاعات به کلیه طرف‌های متعهد درباره هرگونه تغییرات وارد شده در فهرست و یا در خصوص تالاب‌های مندرج در آن و اخذ تدابیر لازم به منظور طرح این مسائل در کنفرانس آینده.

ه) ارائه توصیه‌های کنفرانس‌های برگزار شده به طرف متعهد ذینفع در مورد تغییرات وارد شده در فهرست و همینطور در خصوص تالاب‌های مندرج در آن.

ماده ۹

۱) کنوانسیون برای مدت نامحدود جهت امضا باز خواهد بود.
۲) هریک از اعضای سازمان ملل متحد و یا هر یک از سازمان‌های تخصصی آن یا آژانس بین‌المللی نیروی اتمی و یا اعضای که به

درعین حال طرف‌های متعهد در زمینه هم‌آهنگ نمودن و حمایت مجدانه از سیاست‌ها و مقررات فعلی و آتی خود مربوط به حفظ و حراست تالاب‌ها، گیاهان و حیوانات بومی آن‌ها اهتمام خواهند نمود.

ماده ۶

۱) در موارد ضروری طرف‌های متعهد کنفرانس‌هایی درباره حفظ و حراست تالاب‌ها و پرندگان آبرزی تشکیل خواهند داد.

۲) کنفرانس‌های برگزار شده بایستی جنبه مشورتی داشته و بالاخص در موارد ذیل بحث و بررسی شوند:

الف) بحث در مورد نحوه اجرای کنوانسیون.

ب) بحث در مورد اضافات و تغییراتی که باید در فهرست منظور گردد.

ج) بررسی اطلاعاتی که طبق بند ۲ ماده ۳ راجب به تغییرات وارده در شرایط اکولوژی تالاب‌های مندرج در فهرست ارائه شده است.

د) ارائه توصیه‌های عام یا خاص به طرف‌های متعهد در مورد حفاظت، اداره و بهره‌برداری صحیح از تالاب‌ها، گیاهان و حیوانات بومی آنها.

ه) ارائه درخواست به سازمان‌های بین‌المللی ذی‌صلاح جهت تنظیم گزارش و آمار درباره امور بین‌المللی تالاب‌ها.

۳) طرف‌های متعهد ترتیبی اتخاذ خواهند نمود که مسئولین اداره تالاب‌ها در هر مقام از توصیه‌های کنفرانس‌ها درباره حفاظت و بهره‌برداری صحیح از تالاب‌ها، گیاهان و حیوانات بومی آن‌ها اطلاع یافته و توصیه‌های گفته شده را مورد توجه قرار دهند.

ماده ۷

۱) طرف‌های متعهد در هیئت‌های نمایندگی خود برای شرکت در این کنفرانس‌ها اشخاصی را انتخاب خواهند کرد که از نظر معلومات و تجارب کافی ضمن اشتغال علم و اداری و یا اشتغال مربوطه دیگر متخصص امور مربوط به تالاب‌ها یا

دیوان بین المللی دادگستری ملحق شده اند میتوانند با احراز هر یک از شرایط ذیل طرف متعهد این کنوانسیون واقع گردند:

(الف) امضای کنوانسیون بدون قید تصویب.

(ب) امضای کنوانسیون با قید تصویب و انجام این قید.

(ج) الحاق به کنوانسیون.

(۳) تصویب یا الحاق از طریق تودیع اسناد تصویب یا الحاق نزد مدیرکل یونسکو که به اصطلاح "نگهدارنده" خوانده می شود انجام خواهد شد (Mohammadi & Najafi, 2017).

ماده ۱۰

(۱) کنوانسیون چهار ماه پس از اینکه هفت دولت طبق مقررات بند

۲ ماده ۹ متعهد به آن گردیده اند لازم الاجرا خواهد شد.

(۲) کنوانسیون نسبت به هر یک از طرف های متعهد چهار ماه پس از امضای بدون شرط تصویب آن یا تودیع اسناد تصویب یا الحاق، لازم الاجرا خواهد شد.

ماده ۱۱

(۱) مدت اعتبار کنوانسیون نامحدود است.

(۲) هریک از طرف های متعهد میتواند پنج سال پس از تاریخی که کنوانسیون نسبت به آن تعهد لازم الاجرا شده است با تسلیم اطلاعیه ای به سازمان نگهدارنده کنوانسیون را فسخ نماید. این فسخ چهار ماه پس از تاریخ وصول اطلاعیه توسط سازمان نگهدارنده نافذ خواهد بود.

ماده ۱۲

(۱) سازمان نگهدارنده در اسرع وقت اطلاعات ذیل را به کلیه دولتهایی که کنوانسیون را امضا نموده یا به آن ملحق شده اند اعلام خواهد نمود:

(الف) امضای کنوانسیون.

(ب) تودیع اسناد تصویب کنوانسیون.

(ج) تودیع اسناد الحاق به کنوانسیون.

(د) تاریخ لازم الاجرا شدن کنوانسیون.

(ه) اطلاعیه های مربوط به فسخ کنوانسیون.

(۲) پس از لازم الاجرا شدن کنوانسیون، سازمان نگهدارنده آن را طبق اصل ۱۰۲ منشور سازمان ملل در دبیرخانه سازمان ملل به ثبت خواهد رسانید.

• البته چالش هایی برای ایران در استناد به کنوانسیون

رامسر وجود دارد که عبارتند از:

۱. عدم عضویت افغانستان در کنوانسیون رامسر: افغانستان در حال حاضر عضو کنوانسیون رامسر نیست، اما اصول این کنوانسیون به طور گسترده به عنوان معیارهای بین المللی شناخته شده اند که ایران می تواند به آنها استناد کند.

۲. پیوستگی محدود میان مسائل آبی و تالابی: مسائل مربوط به مدیریت منابع آبی و حفاظت از تالاب ها ممکن است از نظر حقوقی جداگانه تلقی شوند. ایران باید این موضوعات را به طور یکپارچه در مذاکرات و بحث ها مطرح کند.

یافته های پژوهش

دفاع از حق آبه رود هیرمند براساس کنوانسیون تغییرات اقلیمی سازمان ملل:

ایران می تواند از اصول و تعهدات این کنوانسیون در زمینه تغییرات اقلیمی و تأثیرات آن بر منابع آبی مشترک بهره بگیرد. رودخانه هیرمند به عنوان یک منبع آبی مشترک میان ایران و افغانستان، تحت تأثیر تغییرات اقلیمی و اقدامات انسانی قرار گرفته است. استناد به اصول این کنوانسیون می تواند چارچوبی قانونی و اخلاقی برای دفاع از حقوق ایران فراهم کند (Fathi, 2004). اقدامات لازم در این زمینه به شرح زیر می باشد:

۱- استناد به اصول مسئولیت مشترک ولی متفاوت

(ماده ۳)

- ایران می‌تواند تأکید کند که تغییرات اقلیمی، منبع کاهش منابع آبی رود هیرمند است و نیاز به همکاری بین‌المللی برای مدیریت پایدار این منابع وجود دارد.
- افغانستان، به‌عنوان یکی از کشورهای حوضه آبریز، موظف است با توجه به اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت، در مدیریت منابع آب هیرمند با ایران همکاری کند.
- ۲- تأکید بر استفاده پایدار و منصفانه از منابع آبی مشترک
- کنوانسیون UNFCCC تأکید دارد که کشورها باید استفاده از منابع طبیعی را در چارچوب توسعه پایدار مدیریت کنند.
- ایران می‌تواند افغانستان را ملزم به جلوگیری از هرگونه بهره‌برداری غیرمنصفانه یا مضر از منابع آب هیرمند کند که باعث آسیب‌های زیست‌محیطی به ایران می‌شود.
- ۳- طرح تأثیرات تغییرات اقلیمی بر منابع آبی
- ایران می‌تواند به تأثیرات تغییرات اقلیمی، مانند کاهش بارندگی، افزایش دما، و بیابان‌زایی، بر جریان رودخانه هیرمند اشاره کند.
- در چارچوب کنوانسیون، کشورهای حوضه آبریز موظف‌اند برای مقابله با اثرات تغییرات اقلیمی بر منابع آبی مشترک، همکاری کنند.
- ۴- استناد به تعهدات بین‌المللی افغانستان
- به‌عنوان یکی از اعضای UNFCCC، افغانستان نیز متعهد است سیاست‌هایی در راستای کاهش اثرات تغییرات اقلیمی و همکاری‌های منطقه‌ای اتخاذ کند.
- ایران می‌تواند با استناد به این تعهدات، افغانستان را به همکاری و مشارکت در مدیریت پایدار منابع آبی هیرمند فرا بخواند (موسوی، ۱۳۸۸).
- ۵- همکاری در ارائه گزارش‌های ملی
- براساس ماده ۴ کنوانسیون، کشورها باید اطلاعاتی درباره تأثیر تغییرات اقلیمی بر منابع آبی ارائه دهند.
- ایران می‌تواند از مکانیزم‌های این کنوانسیون استفاده کرده و افغانستان را به ارائه شفاف اطلاعات درباره مدیریت آب هیرمند ملزم کند.
- ۶- مطرح کردن مناقشه در نهادهای بین‌المللی مرتبط
- در صورت عدم همکاری افغانستان، ایران می‌تواند مسئله حق‌آبه هیرمند را در چارچوب کنفرانس اعضا^۱ یا سایر نهادهای مرتبط با UNFCCC مطرح کند.
- این اقدام می‌تواند حمایت بین‌المللی برای حفاظت از منابع آبی ایران را جلب کند.
- همکاری با سازمان‌های بین‌المللی: استفاده از ظرفیت‌های سازمان ملل، بانک جهانی، و سایر نهادها برای اجرای پروژه‌های مدیریت پایدار منابع آبی در منطقه.
- دیپلماسی محیط‌زیستی: تداوم مذاکره با افغانستان برای ایجاد چارچوب‌های جدید همکاری و توافق بر سر تقسیم منصفانه آب رودخانه.
- توسعه سازگاری با تغییرات اقلیمی: ایران می‌تواند برنامه‌های سازگاری با تغییرات اقلیمی را در منطقه هیرمند اجرا کند تا اثرات کاهش آب را به حداقل برساند.

^۱ COP

سیستان و بلوچستان شده است. این آسیب‌ها شامل موارد زیر است:

- خشک سالی و بیابان‌زایی.
- آسیب به زیست‌بوم‌های محلی، از جمله تالاب هامون.
- تأثیرات اقتصادی و اجتماعی بر ساکنان منطقه

تعهد به همکاری (ماده ۸)

- ایران می‌تواند افغانستان را به دلیل عدم همکاری در مدیریت منابع آبی رود هیرمند و عدم پایبندی به معاهدات دوجانبه و اصول بین‌المللی به همکاری بیشتر دعوت کند.
- همکاری‌های پیشنهادی می‌تواند شامل:
 - تبادل اطلاعات درباره جریان آب.
 - تعیین کمیته مشترک برای مدیریت آبراه.
- ۱- حق اطلاع‌رسانی و مشورت در فعالیت‌های بالادستی (ماده ۱۲ تا ۱۹)
- کنوانسیون نیویورک الزام می‌کند که کشورها درباره پروژه‌های برنامه‌ریزی‌شده‌ای که ممکن است تأثیرات قابل توجهی بر آبراه‌های بین‌المللی داشته باشند، به کشورهای پایین‌دست اطلاع‌رسانی کنند.
- ایران می‌تواند افغانستان را به دلیل عدم اطلاع‌رسانی کافی و عدم مشورت درباره پروژه‌های بالادستی (مانند سد کمال‌خان) به چالش بکشد (Emami, 2012).

۲- مکانیزم حل اختلاف (ماده ۳۳)

- در صورت عدم دستیابی به توافق، ایران می‌تواند مسئله را از طریق سازوکارهای حل اختلاف مطرح‌شده در کنوانسیون دنبال کند. این مکانیزم‌ها شامل:
- مذاکره مستقیم بین کشورها.
 - میانجی‌گری یا داوری بین‌المللی.

ایران می‌تواند با استناد به اصول عدالت، همکاری بین‌المللی، و مسئولیت مشترک در کنوانسیون UNFCCC، افغانستان را به پذیرش تعهدات خود و همکاری در مدیریت منابع آب هیرمند ترغیب کند. همچنین، جلب حمایت جامعه جهانی از طریق دیپلماسی محیط‌زیستی و سازوکارهای موجود در این کنوانسیون می‌تواند به تقویت موضع ایران کمک کند (Velayati, 2004).

دفاع از حق آبه رود هیرمند براساس کنوانسیون نیویورک:

ایران می‌تواند براساس کنوانسیون نیویورک (۱۹۹۷) با استناد به اصول حقوقی و تعهدات کشورهای عضو در استفاده از آبراه‌های بین‌المللی، از حق آبه رود هیرمند دفاع کند. این کنوانسیون چارچوبی برای استفاده منصفانه و معقول از منابع آبی مشترک فراهم می‌کند و به حل و فصل مناقشات آبی بین کشورها کمک می‌کند.

- راهکارهای ایران براساس کنوانسیون نیویورک

استناد به اصل «استفاده منصفانه و معقول» (ماده ۵ و ۶)

- اصل استفاده منصفانه و معقول یکی از اصول محوری این کنوانسیون است.
- ایران می‌تواند استدلال کند که هرگونه کاهش حق آبه یا بهره‌برداری غیرمنصفانه توسط افغانستان، مغایر با این اصل است.
- معیارهایی که در ارزیابی «منصفانه و معقول» بودن استفاده از منابع آبی باید در نظر گرفته شوند، شامل موارد زیر هستند:

- نیازهای حیاتی جمعیت هر کشور.
- شرایط طبیعی و جغرافیایی منطقه.
- آثار بهره‌برداری یک کشور بر کشور دیگر.

استناد به اصل «جلوگیری از آسیب قابل توجه» (ماده ۷)

ایران می‌تواند استناد کند که کاهش حق آبه هیرمند توسط افغانستان موجب آسیب‌های قابل توجهی به محیط زیست و جمعیت منطقه

راهکارهای پیش روی ایران براساس کنوانسیون رامسر برای دفاع

از حق آبه هیرمند عبارت اند از:

- حفاظت از تالاب هامون به عنوان یک سایت رامسر (ماده ۲)
- ایران می تواند استناد کند که تالاب هامون یکی از سایت های رامسر است که تحت حفاظت این کنوانسیون قرار دارد.
- کاهش آب رود هیرمند، که منبع اصلی تأمین آب تالاب هامون است، می تواند تهدیدی جدی برای اکوسیستم این تالاب باشد و منجر به تخریب آن شود.

- طبق کنوانسیون رامسر، کشورهای عضو باید اقدامات لازم را برای حفاظت از تالاب ها انجام دهند و از تهدیدات زیست محیطی مانند کاهش آب جلوگیری کنند (Asgari, 2023).

استناد به اصل «استفاده پایدار» (ماده ۳)

- کنوانسیون رامسر تأکید دارد که تالاب ها باید به گونه ای استفاده شوند که منابع طبیعی آن ها به طور پایدار حفظ شوند.
- ایران می تواند از این اصل برای دفاع از استفاده پایدار از آب رود هیرمند و حفاظت از تالاب هامون استفاده کند.
- کاهش جریان آب رود هیرمند و خشکی تالاب هامون می تواند نشان دهنده نقض اصل استفاده پایدار از منابع طبیعی باشد و ایران می تواند از این مسأله به عنوان دلیلی برای مذاکره با افغانستان استفاده کند.

همکاری دوجانبه برای حفاظت از تالاب ها (ماده ۵)

- کنوانسیون رامسر بر همکاری بین المللی در حفاظت از تالاب ها تأکید دارد.
- ایران می تواند با استناد به این اصل، افغانستان را به همکاری در حفاظت از تالاب هامون و رود هیرمند دعوت کند.

ارجاع به دیوان بین المللی دادگستری (ICJ)

- ارتقاء همکاری های منطقه ای: استفاده از ظرفیت سازمان های منطقه ای و بین المللی برای ترغیب افغانستان به پیوستن به کنوانسیون نیویورک و پذیرش اصول آن.

- جلب حمایت جامعه بین المللی: مطرح کردن موضوع هیرمند در سازمان ملل و نهادهای مربوطه برای افزایش فشار بین المللی بر افغانستان.

استفاده از کنوانسیون های مرتبط: ایران می تواند بهره گیری از اصول کنوانسیون رامسر برای حفاظت از تالاب هامون که به شدت وابسته به آب رود هیرمند است و همچنین استناد به کنوانسیون تغییرات اقلیمی برای نشان دادن تأثیرات ترکیبی تغییرات اقلیمی و اقدامات انسانی بر رود هیرمند از حق خود دفاع کند (Poorhashemi, 2024).

بر این اساس ایران می تواند با استناد به اصول کنوانسیون نیویورک، به ویژه «استفاده منصفانه»، «جلوگیری از آسیب قابل توجه»، و «تعهد به همکاری»، از حق آبه رود هیرمند دفاع کند. با وجود چالش هایی مانند عدم عضویت افغانستان، ایران می تواند از این کنوانسیون به عنوان ابزاری حقوقی برای تقویت موضع خود در مذاکرات و جلب حمایت بین المللی بهره برد (Karamzadeh & Moradian, 2017).

دفاع از حق آبه رود هیرمند براساس کنوانسیون رامسر:

براساس کنوانسیون رامسر (۱۹۷۱) ایران می تواند که به حفاظت از تالاب ها و زیستگاه های مهم بین المللی برای پرندگان آبی می پردازد، از حق آبه رود هیرمند و به ویژه تالاب هامون (که به شدت وابسته به این رودخانه است) دفاع کند. تالاب هامون، به عنوان یک زیستگاه مهم در منطقه سیستان و بلوچستان ایران، تحت تأثیر کاهش جریان آب رود هیرمند قرار دارد و این امر می تواند به نقض اصول و تعهدات کنوانسیون رامسر منجر شود. برخی

از اصول استفاده پایدار، همکاری بین‌المللی و حفاظت از زیستگاه‌های مهم بین‌المللی بهره‌برداری کند. این اقدامات می‌توانند نه تنها در حل و فصل مناقشات با افغانستان مؤثر باشند بلکه در راستای جلب حمایت بین‌المللی برای حفاظت از محیط زیست و منابع آبی مشترک نیز مفید واقع شوند (Akbari et al., 2020).

نتیجه‌گیری

حق آبه رود هیرمند، به‌عنوان یک مسئله حیاتی برای ایران و افغانستان، در چارچوب حقوق بین‌الملل و تعهدات ناشی از کنوانسیون‌های جهانی، ابعاد پیچیده حقوقی، زیست‌محیطی و سیاسی را نمایان می‌سازد. ایران می‌تواند با استناد به اصول کنوانسیون تغییرات اقلیمی سازمان ملل (UNFCCC)، مانند مسئولیت مشترک ولی متفاوت و ضرورت همکاری برای مدیریت پایدار منابع آب، افغانستان را به شفاف‌سازی در مدیریت آب هیرمند و مشارکت در مقابله با اثرات تغییرات اقلیمی ترغیب کند. همزمان، با تکیه بر کنوانسیون نیویورک ۱۹۹۷، به ویژه اصول «استفاده منصفانه و معقول» و «جلوگیری از آسیب قابل توجه»، می‌توان کاهش حق‌آبه ایران را نقض هنجارهای عرفی حقوق بین‌الملل دانست و از مکانیزم‌های حل اختلاف این کنوانسیون برای احقاق حقوق خود بهره برد. افزون بر این، کنوانسیون رامسر با تأکید بر حفاظت از تالاب هامون به عنوان یک زیستگاه بین‌المللی، ابزاری قدرتمند برای الزام افغانستان به حفظ جریان آب لازم برای بقای این اکوسیستم منحصربه‌فرد فراهم می‌کند. با این حال، چالش‌هایی نظیر عدم عضویت افغانستان در کنوانسیون نیویورک، تحولات سیاسی داخلی این کشور و ضعف سازوکارهای اجرایی، مانع از تحقق کامل این تعهدات می‌شود. در این راستا، ایران می‌تواند با ترکیب استنادات حقوقی از کنوانسیون‌های مختلف، تقویت دیپلماسی علمی-محیط‌زیستی و همکاری با نهادهای بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری یا

- این همکاری می‌تواند شامل تبادل اطلاعات، مدیریت منابع آبی مشترک، و تلاش‌های مشترک برای کاهش اثرات تغییرات اقلیمی بر منابع آبی باشد.

مراجعه به کمیته بین‌المللی رامسر (ماده ۶)

- در صورتی که همکاری‌های دوطرفه موفق نباشد، ایران می‌تواند موضوع را به کمیته بین‌المللی رامسر ارجاع دهد و از آن‌ها کمک بخواهد.
- این کمیته می‌تواند نقش نظارتی و مشورتی ایفا کند و به شفاف‌سازی در مورد مسئولیت‌های هر کشور در حفظ اکوسیستم‌های تالابی کمک کند (Mousazadeh & Abbaszadeh, 2016).

۱- مطالعات و تحقیقات علمی (ماده ۴)

- ایران می‌تواند مطالعات و تحقیقات علمی برای ارزیابی اثرات کاهش آب رود هیرمند بر تالاب هامون انجام دهد و این داده‌ها را در سطح بین‌المللی و در نشست‌های کنوانسیون رامسر مطرح کند.
- این مطالعات می‌تواند شامل بررسی تأثیرات تغییرات اقلیمی، بیابان‌زایی، و استفاده نادرست از منابع آب باشد.

۲- آگاهی‌بخشی و آموزش (ماده ۷)

- ایران می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌های کنوانسیون رامسر، برنامه‌های آگاهی‌بخشی و آموزشی را در سطح محلی و بین‌المللی برای حفاظت از تالاب‌ها و رودخانه‌های مشترک با افغانستان اجرا کند.
- این برنامه‌ها می‌توانند شامل آموزش جوامع محلی در مدیریت منابع آبی و حفاظت از تالاب‌ها و زیستگاه‌های پرندگان باشند (Tayebi & Abolghasemi, 2023).

با توجه به مفاد این کنوانسیون ایران می‌تواند براساس کنوانسیون رامسر برای دفاع از حق‌آبه رود هیرمند و حفاظت از تالاب هامون

بماند، بلکه الگویی برای مدیریت منصفانه منابع آبی فرامرزی در جهان ارائه شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The Helmand River water rights dispute between Iran and Afghanistan, rooted in historical tensions, has grown more complex due to recent climatic, political, and environmental changes, necessitating a multifaceted legal and diplomatic approach. As a transboundary river vital for both nations' ecosystems, economies, and social stability, its equitable use and protection have become a pressing matter under international environmental law (Boyle & Redgwell, 2021; Peel, 2020). The research underscores the importance of leveraging global environmental frameworks such as the United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC), the 1997 New York Convention on the Law of the Non-Navigational Uses of International Watercourses, and the Ramsar Convention on Wetlands to fortify Iran's legal stance. The UNFCCC's principles of "common but differentiated responsibilities" and intergenerational equity offer a normative foundation for advocating cooperative and sustainable river basin management (Ebrahim Gol, 2011; Hassan & Tawfeeq, 2023). The New York Convention's emphasis on "equitable and reasonable utilization" and "no significant harm" provides direct legal grounds for challenging harmful upstream activities (Karamzadeh & Moradian, 2017; Ziaee Bigdeli, 2007), while the Ramsar Convention's

برنامه محیط زیست سازمان ملل، فشار حقوقی و اخلاقی بر افغانستان را افزایش دهد.

همچنین، بازتعریف توافقنامه ۱۹۷۲ با ادغان اصول نوین حقوقی و پیشنهاد پروژه‌های مشترک سازگاری با تغییرات اقلیمی می‌تواند به عنوان راهکاری عملی برای ایجاد اعتماد و تضمین حق‌آبه ایران عمل کند. در نهایت، موفقیت در دفاع از حق هیرمند نیازمند بهره‌گیری همزمان از ظرفیت‌های حقوقی بین‌المللی، دیپلماسی فعال و همبستگی منطقه‌ای است تا نه تنها حقوق ایران محفوظ

provisions on wetland preservation are particularly relevant to protecting the Hamoun Wetland ecosystem (Mohammadi & Najafi, 2017; Ramsar Convention Secretariat, 2024). These instruments, while differing in scope, collectively shape a coherent legal architecture through which Iran can advocate for the protection of its Helmand water rights in multilateral and bilateral forums.

Under the UNFCCC, Iran can frame the Helmand River's declining water flow as both an environmental and climate justice issue, pointing to reduced rainfall, increased temperatures, and desertification as exacerbating factors (Fathi, 2004; Velayati, 2004). As both Iran and Afghanistan are parties to the convention, Afghanistan has obligations to cooperate in climate-resilient water management, aligning its water use with sustainable development principles. The doctrine of "common but differentiated responsibilities" allows Iran to highlight the disproportionate burden it faces from climate impacts while demanding reciprocal action from Afghanistan. Mechanisms such as the Conference of the Parties and national communications reporting can serve as platforms for raising the Helmand dispute, compelling Afghanistan to share data, disclose upstream projects, and engage in joint adaptation strategies. By linking water scarcity to broader climate change mitigation and adaptation agendas, Iran can mobilize

international environmental diplomacy and potentially access climate finance for transboundary water management. The UNFCCC's cooperative framework also enables Iran to push for joint climate adaptation projects in the basin, aligning ecological preservation with socioeconomic resilience in the Sistan and Baluchestan region.

The New York Convention of 1997 offers a more targeted legal framework for transboundary river governance, articulating duties of equitable utilization, harm prevention, cooperation, and prior notification of planned measures (Emami, 2012; Poorhashemi, 2024). While Afghanistan is not a party, many of its core provisions have crystallized into customary international law, making them applicable in principle. Iran can argue that Afghanistan's upstream diversions, including dam projects, breach the "no significant harm" rule by causing severe ecological and socio-economic damage downstream. Evidence of harm includes the desiccation of the Hamoun wetlands, loss of biodiversity, agricultural collapse, and forced migration. The equitable utilization principle supports Iran's claim to a fair share of the river's flow, assessed through factors such as population needs, geography, hydrology, and existing uses. Procedurally, the convention's notification requirements strengthen Iran's case against Afghanistan's unilateral development projects. In the event of a stalemate, Article 33's dispute settlement mechanisms—ranging from negotiation and mediation to arbitration and adjudication by the International Court of Justice—offer pathways for resolution. Even without Afghanistan's formal consent, invoking these principles in multilateral forums can apply normative pressure and shape third-party perceptions in Iran's favor.

The Ramsar Convention, though primarily focused on wetland conservation, is

strategically significant due to the ecological dependence of the Hamoun Wetland on Helmand River inflows (Asgari, 2023; Mousazadeh & Abbaszadeh, 2016). As a designated Ramsar site, Hamoun is subject to heightened conservation obligations, which Iran can use to frame upstream diversions as threats to an internationally recognized ecological asset. Provisions on sustainable use (Article 3) and international cooperation (Article 5) obligate parties to coordinate on wetland protection, opening avenues for Iran to engage not only Afghanistan but also other Ramsar parties and the Ramsar Secretariat in diplomatic interventions. Iran could propose joint ecological monitoring, habitat restoration, and water-sharing protocols under Ramsar's framework. If bilateral cooperation fails, the matter can be referred to the Ramsar Standing Committee for advisory opinions and recommendations. Furthermore, Ramsar's emphasis on public awareness and education (Article 7) supports initiatives to mobilize domestic and international advocacy, raising the profile of Hamoun's plight and linking it to global biodiversity and migratory bird conservation agendas. This environmental framing can complement legal claims, adding moral weight to Iran's position in international negotiations.

Integrating these three conventions allows Iran to craft a multi-tiered strategy combining climate justice arguments, transboundary water law principles, and biodiversity conservation obligations. Such a hybrid legal approach not only broadens the scope of Iran's claims but also enhances their resilience against procedural and jurisdictional challenges. For instance, while Afghanistan's non-membership in the New York and Ramsar Conventions limits direct treaty enforcement, the customary law status of key principles and the political influence of multilateral environmental agreements can still exert significant pressure. Additionally, Iran can

leverage the interconnections between climate change, water scarcity, and wetland degradation to argue for a holistic basin management plan. This would involve linking the 1972 bilateral Helmand Agreement to modern international norms, thereby updating its provisions to reflect contemporary environmental and human rights standards. By pursuing parallel tracks—legal, diplomatic, and scientific—Iran can maximize its opportunities for securing favorable outcomes while minimizing the risks of protracted disputes.

In operational terms, Iran's strategy could involve several complementary actions. First, initiating dialogue under UNFCCC frameworks to secure Afghanistan's cooperation on climate-resilient water allocation. Second, invoking New York Convention principles in regional forums such as the Economic Cooperation Organization to encourage Afghanistan's adherence to equitable use and harm prevention norms. Third, mobilizing Ramsar Convention networks to elevate the Hamoun Wetland's crisis in international biodiversity discussions. These legal arguments can be bolstered by scientific assessments quantifying the ecological, economic, and social impacts of reduced Helmand flows, thus providing robust evidence for advocacy and litigation. Collaborative projects, such as joint hydrological monitoring and sediment management, could be proposed as confidence-building measures. Furthermore, Iran could explore aligning its claims with global policy frameworks like the Sustainable Development Goals (SDGs), particularly Goals 6 (Clean Water and Sanitation), 13 (Climate Action), and 15 (Life on Land), to strengthen the normative appeal of its position.

In conclusion, safeguarding the Helmand water rights demands an integrated approach that transcends narrow treaty interpretation, drawing instead on the full spectrum of

available international legal and policy tools. By weaving together the UNFCCC's climate justice provisions, the New York Convention's transboundary water governance rules, and the Ramsar Convention's wetland conservation mandates, Iran can construct a compelling case for equitable and sustainable water-sharing. Such a strategy not only addresses the immediate hydrological and ecological challenges but also positions Iran as a proponent of cooperative, environmentally responsible resource management. Success will ultimately hinge on Iran's ability to blend legal rigor with proactive diplomacy, scientific credibility, and regional coalition-building, ensuring that the Helmand River remains a lifeline for both nations while serving as a model for the resolution of similar disputes worldwide.

References

- Akbari, N., Mashhadi, A., & Kazemi Foroushani, H. (2020). Legal Aspects of the Utilization of the Helmand River. *Public Law Research*, 22(68), 291-324.
- Asgari, S. (2023). Afghanistan's Role in Changing the Status of the Helmand River from Hydropolitics to Geopolitics. *Political Space Planning*, 5(3), 336-357.
- Boyle, A. E., & Redgwell, C. (2021). *Birnie, Boyle, and Redgwell's International Law and the Environment*. Oxford University Press. <https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=DCsoEAAAQBAJ&oi=fnd&pg=PP1>
- Ebrahim Gol, A. (2011). *State International Responsibility* (3 ed.). Shahre Danesh Legal Studies and Research Institute.
- Emami, M. (2012). The Border River Helmand and Its Border Effects. *Strategic Defense Studies*(13-14), 71-110.
- Fathi, M. (2004). *Tehran, Kabul, and the Helmand River*.
- Hassan, A. M., & Tawfeeq, S. N. (2023). The role of the United Nations in mitigating global climate change. *Russian Law Journal*, 11(9S), 521-536. <https://doi.org/10.52783/rhj.v11i9s.1797>
- Karamzadeh, S., & Moradian, B. (2017). Iran's Rights in the Utilization of the Helmand River from the Perspective of International Law. *Energy Law Studies*, 3(2), 339-370.
- Mohammadi, M., & Najafi, V. (2017). Protection of Wetlands in International Law in Light of the

- Ramsar Convention. *Legal Research*, 16(31), 231-250.
- Mousazadeh, R., & Abbaszadeh, M. (2016). Legal Aspects of the Utilization of the Helmand River by Iran and Afghanistan. *Central Asia and the Caucasus Studies Quarterly*, 22(93), 159-183.
- Peel, J. (2020). International law and the protection of the global environment. In *The Global Environment: Institutions, Law, and Policy* (pp. 68-100). CQ Press.
<https://doi.org/10.4135/9781071873038.n3>
- Poorhashemi, A. (2024). International environmental law. In *Public International Law* (pp. 453-466). Routledge.
<https://doi.org/10.4324/9781003451327-19>
- Ramsar Convention Secretariat. (2024). Ramsar Convention. <https://www.ramsar.org/>
- Tayebi, S., & Abolghasemi, S. (2023). Defensive Diplomacy in the Helmand Border Disputes and Treaty Non-Compliance. *Legal Civilization Quarterly*, 6(15), 95-106.
- Velayati, S. (2004). *Geography of Waters*. Jihad Daneshgahi.
- Ziaee Bigdeli, M. R. (2007). *Public International Law*. Ganj Danesh Library.